



مقدمه :

فریضه امر به معروف و نهی از منکر در قرآن و کتب جامع روایی، از جایگاه والایی برخوردار است. راه اندازی رسانه یکی از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر است. بنابراین همان ادله ایی که امر به معروف و نهی از منکر را واجب می کند همان ادله نیز در تأسیس رسانه دینی به کار می رود. در این درس بنا داریم به بررسی ادله وجوب تشکیل رسانه دینی از منظر کارکرد امر به معروف و نهی از منکر بپردازیم.

دلیل دوم بر وجوب تأسیس رسانه دینی (روایات امر به معروف و نهی از منکر)

وجوب امر به معروف و نهی از منکر از ضروریات فقه، مکتب و حتی اسلام به حساب می آید و هیچ مخالفتی با آن وجود ندارد و در زمره فروع دین شمرده می شود؛ فقها نیز به ادله اربعه برای وجوب آن تمسک نموده اند.

بحث درباره ادله وجوب راه اندازی رسانه دینی است. در این بخش از دلیل دوم وجوب تأسیس رسانه دینی است. در این جلسه برای دلیل دوم از آیات و روایات با عنوان ادله وجوب امر به معروف اشاره می کنیم.

آیاتی که در این باب آمده است زیادند اما در اینجا به دو آیه ای که ظهورش کامل و صراحت دارد، از زمان شیخ مفید تا بحال، اشاره می شود.

۱- آیه ۱۰۴ سوره آل عمران « وَتُكِنُّ مِّنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ...».

یکی از ادله مهم در اثبات وجوب امر به معروف و نهی از منکر در ادله فقهی آیه ۱۰۴ سوره مبارکه آل عمران است که خداوند امر می کند که امت اسلامی باید امر به معروف نمایند. اولین برداشت این است که گروهی برای این امر مهم تشکیل شود و تصدی این کار را به عهده بگیرد. منظور از این امت چه کسانی هستند که بررسی احتمالات آن می پردازیم: آیه شریفه در مقام بیان صفت امت است که امر به معروف و نهی از منکر هستند نه وجوب کفایی یا تأسیس سازمان امر به معروف و نهی از منکر.

طبق برداشت اول و دوم، وجوب امر به معروف و نهی از منکر وجوب کفایی می شود و بر عده ای از مسلمانان این امر واجب است به شرط آن که عالم به این فریضه باشند. بر اساس برداشت سوم همه موظف به انجام این واجب هستند و عده ای نمی توانند سکوت اختیار نمایند.



گروهی از مسلمانان متصدی دعوت به خیرات و نهی از منکرات باشند و

به یک سازمان اکتفا نکنیم که در این مقوله بحث وجوب کفایی مسأله مطرح می شود؛ زیرا می خواهیم این امر مقدس تحقق پیدا کند.

نکته اول :

این روایت در بحث فقه رسانه نیز کاربرد دارد . البته لازم است ما به یک مطلب اشاره کنیم و آن اینکه درست است که موضوع فقه افعال مکلفین است، اما یه وقت مکلف فرد است و یه وقت جامعه است و یه وقت یک نهاد است یعنی حاکمیت. یعنی حکومت نیز مثل فرد مکلف از قدرت خود در راستای امر به معروف باید استفاده کند و بهترین وسیله برای حاکمان تأسیس رسانه دینی کند و از وظایفش شمرده می شود.

نکته دوم:

ما از طریق رسانه می توانیم امر به معروف داشته باشیم. معروف را برای کاربر رسانه معرفی کنیم و تشویق کنیم به انجام واجبات، ترک محرمات و تبیین مسائل اعتقادی، تبیین مسائل اخلاقی و در این که تبیین معروف برای کسی که جاهل به معروف هست ، مقدمه ای است برای امر به معروف. و نسبت به کسی که معروف را می شناسد اینجا دیگر نیازی به تبیین معروف ندارد بلکه فقط امر به معروف برای او لازم است.

نکته سوم:

نسبت به نهی از منکر ممکن است گفته شود که نهی با امر تفاوت دارد. ما در امر به معروف می بینیم که که معروف در خارج تحقق پیدا نکرده مثلا شخصی نماز نمی خواند و ما او را امر به نماز می کنیم و اهمیت نماز را برایش توضیح می دهیم، تشویق می کنیم. اما نسبت به نهی از منکر باید یک منکری در خارج محقق بشود و بعد ما اقدام به نهی کنیم و رفع این منکر. شخصی مرتکب فسادی بشود، مشروب می خورد، نهی می کنیم از شرب خمر، دچار فساد و فحشاء و منکرات جنسی می شود و نهی می کنیم، مفساد این عمل را برایش تبیین میکنیم، عذابی که، غضبی که پیامد این عمل است برایش می گوئیم تا اینکه منجر شود از این عمل و دیگر مرتکب نشود این عمل را. اگر سؤال شود که چگونه شما می گوئید که یک رسانه دینی مصداق نهی از منکر است؟

مصداق امر به معروف از رسانه مشخص است چون ما تشویق می کنیم که بروند کاری را انجام دهند، اما شما (مخاطب) باید یک منکری ببیند مثلا اسراف را که منکر است انجام ندهید، اسراف و تبذیر این پیامدها را دارد، همانگونه که در قران اشاره شده است ان المبذرين كانوا اخوان الشياطين، مبذر برادر شیطان است. خوب منکری که محقق نشده و یا اینکه شما منکری را نمی بینید اصلا تا بخواهید نهی از منکر کنید چون رسانه مواجه با مخاطب به صورت فیزیکی ندارد. برنامه ای



تولید و پخش می شود یا به تعبیری در فضای مجازی است و در یک فضای رودرو و چهره به چهره نیست، حتی اگر برنامه هم زنده باشد مخاطب شما را می بیند ولی شما چهره مخاطب را نمی بینید که آیا او در حال گناه هست یا نه تا نهی از منکر و معصیت کنید او را.

مرحوم امام ره در تأیید بیان محقق اردبیلی در کتاب مکاسب خود در بحث نوع دوم از انواع مکاسب محرمه، جائی که کالائی را می فروشی و می دانی که مشتری از این کالا بهره برداری حرام میکند، می فرماید: فروختن این کالا حرام است. شبهه در اینجا مصداقیه بوده و حرامی مرتکب نشده. توضیح خوبی امام دارند که دفع از منکر اولی از رفع از منکر است و اصولاً در نهی از منکر باید دنبال دفع از منکر باشیم نه رفع از منکر.

تا حالا گفته می شد که برای نهی از منکر باید یک منکری دیده شود بعد از آن نهی شود، یعنی با نهی از طرف مقابل بخواهیم که منکری دیگر تکرار نشد و در خارج محقق نشود و رفع گردد. بر اساس مبنای امام ره کهنه‌ی از منکر را واجب

عقلی می دانند نه واجب شرعی، و آیات و روایات همه ارشاد به حکم عقل هستند. پس چون عقل می گوید جلوی نافرمانی مولا را بگیرد و اگر ما گفتیم نهی از منکر، دفع منکر است دیگر شبهه ارتکاب نهی جواب داده می شود که رسانه دینی می تواند قبل از آنکه منکر محقق بشود جلوی منکر را بگیرد و ناهی از منکر باشد.

ممکن است این شبهه به ذهن آید که مثلاً در پذیرش فرمایش امام در مکاسب که وقتی کسی هنوز مرتکب گناهی نشده و ما آن شخص را نهی از منکر کنیم خوب ناراحت می شود. بله این، در مورد یک شخص خاص و حاضر نزد ما صدق می کند، نمی شود او را دفع از منکر کنیم، مگر اینکه علم داشته باشیم مثلاً لیوان مشروب را در مقابل خودش گذاشته و می خواهد بنوشد، بله می شود او را نهی از منکر کرد و دفع منکر کرد، نه اینکه بگذاریم لیوان مشروب را بنوشد بعد او را رفع از منکر نماییم.

نکته چهارم:

دفع منکر بالاتر از رفع منکر

اصل وجوب امر به معروف و نهی از منکر از ضروریات است و بحث اصلی این است که آیا این وجوب بر عهده همه است یا گروه خاصی می باشد؟ کسانی که معروف را می شناسند برایشان واجب است و کسانی که نمی شناسند از باب مقدمه واجب باید معروف را بشناسند و بدان عمل نمایند.

یکی از مصادیق خاصی که در فریضه امر به معروف و نهی از منکر مورد توجه بحث ماست و مربوط به همه افراد جامعه نمی شود، امر به معروف از راه رسانه است که می تواند جامعه را به سمت کارهای خیر هدایت و دعوت نماید؛ رسانه ها و شبکه های اجتماعی تأثیر بسزایی دارند و کسی نمی تواند منکر اثر بخشی آنها شود.



بعضی می گویند رسانه کار هنری است و این مقوله با کار دینی در تناقض است. باید بررسی نمود که آیا واقعیت این چنین است؟! اگر یک رسانه ای برای نشر و ترویج معروف ایجاد شود، ایجاد آن واجب است؛ در صورتی که اگر شبکه های ضد دینی نیز وجود نمی داشت، از باب امر به معروف ساخت بعضی از رسانه های دینی وجوب کفایی داشت؛ با این وجود در زمان حاضر باید نگاه تدافعی نیز داشت زیرا که دشمن حمله همه جانبه ای را برای ترویج فساد علیه دین انجام داده است.

استدلال به آیه :

اولا ما می توانیم به وسیله رسانه دینی امر به معروف کنیم و کارکرد رسانه دینی تبیین معارف است و تشویق نسبت به انجام معروف. حالا در هر غالب که می خواهد باشد، چه غالب برنامه کارشناسی و چه برنامه مکتوب رسانه، سایتی باشد و یا حتی یک فیلم باشد که بیاید و سبک زندگی دینی را ترویج کند که امر به معروف است. و نهی از منکر هم در غالب کار رسانه امکان پذیر است یعنی نهی کنیم از سبک زندگی غربی و زندگی تجملاتی، اسراف و تبذیر، که این می تواند کار یک رسانه دینی باشد.

درباره کارکرد رسانه دینی، دفع از منکر از مصادیق بارزتر نهی از منکر است. بخصوص که اگر منکر یک منکر اجتماعی باشد، نباید بگذاریم منکر تحقق پیدا کند بعد بیائیم نهی اش کنیم و رفعش کنیم. بلکه باید با نهی از منکر زمینه و ظرفیت تحقق این منکر را در جامعه از بین ببریم. وقتی که رسانه دینی نهی از منکر می کند قبل از آنکه این فردی که دارد از رسانه استفاده می کند دچار عمل منکر بشه او را باز می دارد، که این مصداق بارز نهی از منکر هست.

بنابراین از لحاظ مصداقی کارکرد رسانه دینی می تواند بهترین شیوه برای امر به معروف و نهی از منکر به معنای دفع از منکر از جامعه باشد. بستر تحقق منکر را در جامعه برچیند و جلوی فعل منکر را بگیرد با نهی از منکر دینی

انجام می دهد. اما نسبت به وجوب امر به معروف و نهی از منکر، به ادله اربعه این وجوب ثابت است و از ضروریات دین است. فرائض و واجباتی که هیچ کسی در آن خدشه وارد نمی کند، نه شیعه و نه سنی، جزء فروع دین بحساب می آید. مثل نماز که هیچ فقیهی نمی آید که بگوید خوب حالا که جامعه متحول شده پس نماز دیگه واجب نیست. این را کسی نمی تواند منکرش شود چون جزء ضروریات دین است. به ادله اربعه (آیات، روایات، عقل و اجماع) این وجوب ثابت است چون جزء ضروریات دین است. موضوع ما که بحث کارکرد رسانه دینی است که کارکرد عمده آن تبیین معارف دین و تشریح ردائل اخلاقی و تبیین مفاسد و نهی از این مفاسد است، برای ما روشن است.

۲- آیه ۱۰۴ سوره آل عمران « وَ لَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ... ».

آیه دوم برای اثبات وجوب تاسیس رسانه دینی آیه ۱۰۴ سوره آل عمران است. در این آیه وَ لَتَكُنْ صیغه امر است و ظهور در وجوب دارد مگر اینکه قرینه صارفه ای باشد و قرینه ای در اینجا نیست که ما دست از ظهور برداریم. پس آیه امر میکند که امتی از شما باید دعوت کننده به خیر باشند. در اینکه وجوب امر به معروف از آیه فهمیده می شود تردیدی نیست. اما



نسبت به اینکه امت منظور چیست؟ اینجا نگفت بر همه بلکه می گوید از میان شما باید گروهی این چنین ویژگی ای داشته باشند، امر به معروف باشند و ناهی از منکر و این وجوب بر عده ای خاص متعین می شود.

نکته :

کلمه اُمَّةٌ در اینجا چند معنا برایش شده است؛

معنای اول اینکه وظیفه امر به معروف وظیفه ای نیست که بر همه واجب باشد، نیازی نیست. وقتی که یک نفر، دو نفر، سه نفر امر به معروف کنند، امر محقق شده در خارج و طبیعت آن محقق شده و دیگر نیازی به اینکه همه بیایند و امر کند، ندارد. و این امر در آیه وجوب کفائی است. عده ای و گروهی از آحاد مردم که این را انجام دادند از دیگران ساقط می شود. اگر این معنا باشد کاملا استدلال برای وجوب امر به معروف به عنوان یک واجب کفائی خیلی روشن است.

معنای دوم که برای این کلمه شده به معنای گروه متشکل است، یعنی سازمان یافته. باید افرادی این مسؤلیت را سازمانی و تشکیلاتی بر عهده بگیرند. بر اساس این معنای دوم پیشنهاد تشکیل سازمان امر به معروف ونهی از منکر داده می شود.

چرا که مراتب امر به معروف بعضش در اختیار سازمان مربوطه است. بر اساس این معنا هم لزوم و وجوب تأسیس رسانه دینی فهمیده می شود. چرا که اطلاع رسانی در این زمینه توسط رسانه صورت می گیرد که فرد مجرم بعدا نگوید که من بی اطلاع بودم و نمی دانستم.

معنای سوم: این واژه به عنوان صفت برای آمرین به معروف و ناهیان از منکر باشد. توصیف می شوند به امت، که این یک واژه ارزشی است. همانگونه که قرآن می گوید ابراهیم (ع) یک امت واحد بود. البته آیه ۱۱۰ همین سوره هم می گوید که بهترین امت کسانی هستند که خارج می شوند برای هدایت مردم و آمرین را یک امت می داند.

اصل وجوب امر به معروف و نهی از منکر با توجه به این سه برداشت (که با هم تعارضی هم ندارند) و این سه معنایی که برای امت شد، فهمیده می شود و هیچ فقیهی تردیدی در برداشت از این آیه ندارند.

۳- آیه ۴۱ سوره حج « الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ».

آیه سوم بر استدلال وجوب تأسیس رسانه دینی آیه ۴۱ سوره حج است. این آیه صراحتا امر به وجوب می نماید و مقصود این است که در دوران برپایی حاکمیت اسلامی، یک سازمان امر به معروف و نهی از منکر باید تأسیس شود.

الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ



ما به کسانی که قدرت حاکمیت را می دهیم، می بایست این امور را انجام دهند؛ اقامه نماز که تعبد جامعه اسلامی است، ایتنا زکات در مسائل اقتصادی و در بعد فرهنگی و وظیفه سوم و چهارمشان مسأله امر به معروف و نهی از منکر است که باید چنین سازمانی به وجود بیاید تا این دستور مهم را از جایگاه حکومتی در مراتب مختلف به عهده داشته باشد که بعضی از مراتب آن بدون وجود این جایگاه امکان پذیر نمی باشد.

این آیه هم دلالت بر وجوب دارد البته نه برای آحاد مردم، بلکه برای نظام اسلامی. یعنی آنهایی که حاکمیت به آنان واگذار می شود، یعنی حکومت اسلامی، وظیفه دارند تعبد را در جامعه اقامه کنند و جامعه را عبادی و معنوی نمایند. در بخش اقتصادی مستضعف و فقیر کسی در جامعه نباشد. وظیفه سوم و چهارم آن حکومت و حاکم امر به معروف و نهی از منکر است. باید جامعه را و فرهنگ جامعه را دینی بار بیاورد.

نکته :

اشکال می شود که در این آیه امری از سوی شارع نیامده مثل آیه قبل، جمله خبریه است. درست است صیغه امر ندارد ولی متفاهم از آیه این است که این کارها را انجام بدهد. اینجا مثل جمله شرطیه است که جزای شرط آمده. اگر ما به ایشان

حکومت دادیم، پس حتما اقامه کنید نماز و زکات و امر به معروف و نهی از منکر را. در این جمله خبریه حتما انشاء است. پس از باب اینکه امر و نهی یک واجب کفائی است باید یک عده ای بیایند و با تأسیس رسانه دینی امر و نهی کنند و با آیه بعد از وظایف حکومت اسلامی تأسیس رسانه دینی دست بزند و یکی از شیوه های امر به معروف و نهی از منکر تأسیس رسانه دینی است.

ما در این بحث روایات فراوانی داریم که مجال بیان آن ها نیست. جائی که حضرت می فرماید بها تقام الفرائض، یعنی فرائض دینی با بودن امر و نهی پابرجا می مانند.

در واجب کفائی من به الکفایه یعنی اینکه باید امر و نهی توسط افراد و یا حکومت انجام گیرد والا از کسی ساقط نمی شود. از مجموع آیات و روایات متعددی که در رابطه با وجوب امر به معروف و

نهی از منکر داریم تنها به ۲ آیه اشاره می نمایم که فقها برای وجوب امر به معروف و نهی از منکر از آن استفاده نموده اند؛ زیرا بحث ما در مورد فقه رسانه است و صرفاً برای اهمیت بحث آن را ذکر می نمایم:

عبدالله جلالی

مدیر گروه فقه رسانه

مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام



گروه فقه رسانه
جلسه دوم خارج فقه رسانه استاد رفعتی نائینی

